«بازنگری اجمالی کتاب الصوم مبتنی بر نگاه تربیتی به فقه»

**پژوهشگر:**

**محمد صادق حسین زاده بحرینی**

**مقطع تحصیلی:**

**پایه پنجم سطح یک**

**مدرسه علمیه علوی قم**

**سال تحصیلی: 1399-1400**



تقدیم به محضر زهرای خانواده موسی بن جعفر علیهم السلام

و عالمه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

فاطمه معصومه سلام الله علیها

چکیده:

دین اسلام به عنوان برنامه ای عقلایی از سوی خداوند متعال طرح ریزی و بواسطه فرستادگان او به بشر ابلاغ شده تا انسان را به هدف بزرگ و ارزشمندش در زندگی برساند. برنامه ای که باید توسط انسان به درستی شناخته شده و فهم گردد تا مقدمات علمی لازم برای عمل به آن مهیا گردد. در این میان، آنچه از اهمیت بسیار برخوردار می باشد، نوع نگاه ما به این برنامه است که سبب خواهد شد تا رویکرد مشخصی را در فرآیند استنباط و کشف مفاد و جزئیات آن برگزینیم. در این تحقیق، نگاه ما به دین الهی، از نگاه تعبدی موجود فاصله گرفته و ملتزم به نگاه عقلایی مذکور، یعنی نگاه برنامه وار به دین شده ایم و به ملازمات منطقی و عقلایی آن نیز پایبند مانده ایم. از جمله این ملازمات، اصل شناخت اهداف و اغراض موجود در پشت پرده تشریع هرکدام از بخش های دین است که لازمه عمل صحیح و دقیق به مفاد برنامه اسلام می باشد. دیگر لازمه عقلایی این نگاه، قول به وجود مراتب و مراحل متعدد برای هر بخش از برنامه، متناسب با ظرفیت و آمادگی روحی متربی است تا بدینوسیله، از افراط و فشار فرای طاقت به وی و نیز تفریط و دچار کردنش به رکود و خسران، جلوگیری بعمل آید.

با در نظر داشتن موارد فوق، در ادامه به بررسی صوم بعنوان یکی از بخش های پنجگانه برنامه اسلام پرداخته و با استفاده از آیات و روایات، حقیقت صوم را همان «امساک از شهوات» دانسته ایم. در گام بعد، متعرض شناخت مراحل عمل به صوم شده ایم و آن را در سه مرحله «صوم بطن»، «صوم لسان» و «صوم قلب» تبیین کرده ایم.

کلید واژه:

فقه، تربیت، برنامه، علل تشریع، صوم، صوم بطن، صوم لسان، صوم قلب

فهرست مطالب

[مقدمه: 1](#_Toc72275034)

[فصل اول: شناخت مفاد برنامه 2](#_Toc72275035)

[فصل دوم: اسلام، برنامه ای مرحله مند 4](#_Toc72275036)

[فصل سوم: معنای لغوی صوم 5](#_Toc72275037)

[فصل چهارم: حقیقت صوم 5](#_Toc72275038)

[فصل پنجم: سطوح تعلیل 6](#_Toc72275039)

[فصل ششم: کیفیت حال صائم 7](#_Toc72275040)

[فصل هفتم: گام های سه گانه صوم 8](#_Toc72275041)

[گفتار اول: گام اول؛ صوم فریضه (صوم بطن) 9](#_Toc72275042)

[گفتار دوم: گام دوم؛ صوم تطوّع (صوم لسان) 10](#_Toc72275043)

[حقیقت صوم در گام دوم: 13](#_Toc72275044)

[صدقه بدل از صوم: 17](#_Toc72275045)

[ازدیاد روزها در گام دوم صوم متناسب با شرایط فرد: 19](#_Toc72275046)

[توجه به حقیقت احکام شریعت 19](#_Toc72275047)

[لزوم اخذ به گام های بعدی، نیازی عمومی 21](#_Toc72275048)

[گفتار سوم: گام سوم؛ صوم قلب (صوم دائم) 21](#_Toc72275049)

[نتیجه 24](#_Toc72275050)

[منابع و مآخذ: 25](#_Toc72275051)

مقدمه:

پس از گذشت 14 قرن از ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان، و با وجود ترقی و پیشرفتی که در سطح درک و فهم عمومی جوامع بشری رخ داده است، لکن مشاهده می کنیم که سطح تبیین علمی و نظری محققان و مبلغان دین -به عنوان قائم مقامان امام معصوم در عصر غیبت کبری- متناسب و همپا با رشد اذهان بشری، رشد و ترقی نداشته و فقهای گرانقدر ما، همچنان با تصویر رابطه میان انسان و خداوند متعال به صورت رابطه میان عبد و مولا، مسئله اصلی خود را در فقه، کسب حجت و معذریت عندالمولا قرار داده و بدین ترتیب افق نگاه خود و مقلدینشان را، به فرار از عقاب و چوب مولا محدود کرده اند.

حال آنکه با وجود مبارزه جدی بشر امروز با فرهنگ برده داری که در نهایت منجر به حذف و اضمحلال این فرهنگ در غالب جوامع شده است، روشن است که دیگر نمی توان در تبیین منطقی و عقلایی دین از این نگاه و ادبیات بهره گرفت و بایستی متناسب با فهم و فرهنگ به روز شده بشر امروز، تبیینی به روز شده از دین را برایش عرضه کرد.

این ضرورت سبب شده که امروزه برخی از متفکرین، به سمت تبیین نگاهی جدید از مسئله شریعت و فقه حرکت کرده و برخی به عنوان جایگزین پارادایم فقهی «تعبد، مبتنی بر مولویت خداوند»، پارادیم فقهی «تربیت، مبتنی بر برنامه الهی» را مطرح نمایند.

در این نگاه، پس از پشت سر گذاشتن یک سیر اعتقادی و فکری مترقی و منطقی، ماهیت دین به عنوان یک برنامه تبیین شده و بنابر این رابطه میان خداوند متعال و انسان، این بار به شکل رابطه میان مربی و متربی تصویر می شود.

بر همین اساس، در جریان اجتهاد و فقاهت در این مبنای نو، تفاوت های عمده ای را در فهم گزاره های دینی و در روش های اجتهادی شاهد خواهیم بود که سبب بروز تغییرات معتنی بهی در نتایج فقهی خواهد شد.

لذا در این مجال، بر آن شدیم تا با بررسی موردی کتاب الصوم (به عنوان یکی از مفاد پنجگانه برنامه اسلام) و جریان دادن مبنای نوین مذکور در فرآیند استنباط آن، تفاوت های اشاره شده را برای اهل تحقیق، به نمایش گذاریم.

فصل اول: شناخت مفاد برنامه

**پس از دریافت این مقدمه، برای ورود به مرحله شناخت مفاد و جزئیات برنامه، به سراغ روایتی از یکی از فرزندان علی بن ابی طالب علیه السلام می رویم که با استناد به کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، از منتصبان خداوند برای امامت مسلمین و مومنین معرفی شده و لذا کلامشان در مقام تبیین دین، به جهت اعتبار عدل کلام رسول خدا به حساب می آید.**

**عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: بُنِيَ‏ الْإِسْلَامُ‏ عَلَى‏ خَمْسٍ‏ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْ‏ءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ. (الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏2، ص: 18)**

**بر اساس روایت فوق، ارکان و مفاد برنامه اسلام، پنج چیز بر شمرده شده و بنابراین سایر آنچه که از احکام و شرایع اسلامی مطرح است، قطعا ذیل یکی از این پنج عنوان کلی قرار خواهد گرفت.**

**نکته قابل توجه آن است که هر کدام از این موارد، در معنایی خاص نزد مسلمانان، شایع و مصطلح شده اند. صلاه همان مجموعه افعال خاص با اجزاء و شرایط خاص است که دارای انواع متعدد بوده و در بازه های زمانی مشخص و ثابت و یا نامشخص و موردی به جای آورده می شود. زکات عبارتست از همان پرداخت معین شرعی که به اموالی خاص تعلق گرفته و شرایط و جزئیاتی دارد. صوم را همان خودداری از انجام مبطلات صوم در بازه زمانی میان طلوع فجر و مغرب دانسته اند. نخوردن و نیاشامیدن و... . حج همان سفر شرعی سالیانه به سرزمین حجاز است که دارای مناسکی خاص بوده و احکام مربوط به خود را دارد. و در نهایت ولایت همان اطاعت و فرمانپذیری از امر خداوند، رسول خدا و اولیای امر است که همانطور که گذشت مراد از آن علی بن ابی طالب و فرزندان ایشان اند. این مفاهیم، فهم عرف متشرعه امروز از این الفاظ است.**

**اما نکته اینجاست که آنچه در این روایت به عنوان ارکان رکین و مفاد اصلی برنامه اسلام بر شمرده شده است، لزوما به همین معانی متشرعیه (و شاید حتی شرعیه) ای که دیروز و امروز مطرح است نمی باشد. بلکه به نظر می رسد که معنای اعمّی از آن ها اراده شده باشد و یا در تعبیر از آن ها، مجازی به علاقه فرد اظهر و اشهر صورت گرفته باشد.**

**یعنی مثلا ممکن است که آنچه شارع می خواسته با اطلاق لفظ صلاه به آن اشاره کند، همان مناط مشترک موجود در تمامی صلوات تامه الشرایط، یعنی ذکر الله بوده باشد. و چون این مناط کلی، در نماز بیش از سایر عبادات وجود دارد، با نام بردن از فرد اظهر، اراده اشاره به همان معنای عام و مناط مشترک شده باشد.**

**قرینه دیگری که بر صحت این مدعا وجود دارد، این است که در صورت عدم پذیرش چنین معنایی (معنای مجازی یا لغوی یا... اعم از معنای اصطلاحی) برای عناوین ذکر شده در روایت، بایستی قائل به خروج بسیاری از مواردی شویم که جزء دین بودن آن ها با استفاده از نظرات پیشوایان اسلام (رسول خدا و جانشینان ایشان) به روشنی ثابت می شود. به عنوان مثال عناوینی نظیر «خمس»، «جهاد»، «امر به معروف و نهی از منکر» و... از این دسته اند و حتی در بیانات دیگری نظیر این روایت که در صدد ارائه دید کلی از احکام و شرایع اسلامی می باشند، برخی از آن ها به صراحت جزء ارکان، پایه ها یا مفاد اصلی برنامه برشمرده شده اند. برای مثال در روایت دیگری از رسول خدا آمده است:**

**قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ بُنِيَ‏ الْإِسْلَامُ‏ عَلَى عَشَرَةِ أَسْهُمٍ عَلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ هِيَ الْمِلَّةُ وَ الصَّلَاةِ وَ هِيَ الْفَرِيضَةُ وَ الصَّوْمِ وَ هُوَ الْجُنَّةُ وَ الزَّكَاةِ وَ هِيَ الْمُطَهِّرَةُ وَ الْحَجِّ وَ هُوَ الشَّرِيعَةُ وَ الْجِهَادِ وَ هُوَ الْعِزُّ وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ هُوَ الْوَفَاءُ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ هُوَ الْحُجَّةُ وَ الْجَمَاعَةِ وَ هِيَ الْأُلْفَةُ وَ الْعِصْمَةِ وَ هِيَ الطَّاعَةُ.**

**(وسائل الشيعة، ج‏1، ص: 26)**

**بنابر این به این نکته رهنمون خواهیم شد که مثلا از عنوان زکات، معنای عامی اراده شده است که (به هر طریق) خمس را هم در بر می گیرد. همینطور جهاد و امر به معروف و ...**

فصل دوم: اسلام، برنامه ای مرحله ­مند

**لکن نکته بسیار مهمی که در این میان وجود دارد آن است که بسیاری از برنامه ها، خصوصا هر چه قدر پیچیده تر و گسترده تر بوده و هدف عالی تر و دوردست تری را در نظر داشته باشند، عادتا دارای مراتب و مراحل می باشند. برای مثال یک مربی بدن سازی، برای رساندن متربی خود به هدفی مشخص که همان تناسب اندام و قدرت جسمانی مناسب باشد (با اینکه این هدف حتی در اهداف مادی و دنیایی نسبتا هدف کم اهمیت و کوچکی در نظر گرفته می شود)، به متربی خود برنامه ای مدون و مشخص و ذومراحل ارائه میکند. بدین ترتیب که ابتدائا و در گام اول از او می خواهد وزنه هایی سبک و متناسب با جسم پرورش نیافته اش را بلند کند، و کم کم به هر میزان که در صورت استمرار عمل به برنامه، جسم متربی پرورش یافت، وزنه هایی سنگین و سنگین تر را برایش تجویز می کند تا بدین ترتیب، فرآیند آموزش او تکمیل شده و به هدف مد نظرش برسد.**

**دین اسلام نیز به عنوان یک برنامه جامع و گسترده، با در نظر قرار دادن هدفی بسیار بزرگ و دوربرد و البته بسیار ارزشمند و مهم، از همین رویه منطقی و عقلایی استفاده کرده است. اسلام برنامه ای ذو مراتب و ذو مراحل برای انسان است که از جانب خداوند طراحی و ابلاغ شده و مربیان آن، همان مبیّنین دین، یعنی رسول خدا و جانشینان ایشان می باشند.**

**با لحاظ این نکته، روشن می شود که در اخذ به مفاد برنامه اسلام، لازم است تا این مراتب و مراحل به طور دقیق و کامل شناسایی و رعایت شوند. و خروج از این سیر و این سلسله مراتب ملحوظ در برنامه، مورث عدم توفیق در پیمودن مسیر و رکود و نرسیدن به هدف خواهد بود. همچون بدن ساز تازه کاری که از ابتدا با رفتن به سراغ وزنه های سنگین و خارج از توانش، ثمری جز خستگی و تحلیل قوای جسمانی و ناامیدی و یأس از رسیدن به هدف برای خود به بار نخواهد آورد.**

**با عنایت به این نکات، وقت آن است که به سراغ ادله موجود در باب اولین بخش از مفاد برنامه اسلام، یعنی صلاه رفته و با بررسی آیات و روایات وارد شده پیرامون این رکن اساسی دین، اولا به کشف حقیقت و روح حاکم بر صلاه و ثانیا به تبیین مراحل و گام های مختلف آن بپردازیم.**

فصل سوم: معنای لغوی صوم

بر اساس روایت گرانقدر پیشوای پنجم مسلمانان، رکن بعدی اسلام پس از ذکر صلاه و زکات، صوم است. صوم در لغت به معنای امساک و خودداری است (الصاد و الواو و الميم أصلٌ يدلُّ على إمساكٍ و ركودٍ فى مكان/ معجم مقاییس اللغه)، شاید بتوان با قرینه قرار دادن همین معنا به روح حاکم بر این بخش از برنامه، یعنی حقیقت صوم پی برد.

فصل چهارم: حقیقت صوم

با بررسی آیات و روایات وارده پیرامون صوم، به این جمع بندی می توان رسید که روح و حقیقت صوم که بایستی در اثر عمل به آن پس از مدتی در نفس صائم ایجاد شود، همان دل بریدن و قطع تعلق از شهوات است. این معنا را می توان از روایاتی از جمله روایت زیر از پیشوای ششم شیعیان استفاده نمود:

قَالَ الصَّادِقُ ع‏ قَالَ النَّبِيُّ ص الصَّوْمُ‏ جُنَّةٌ مِنْ آفَاتِ الدُّنْيَا وَ حِجَابٌ مِنْ عَذَابِ الْآخِرَةِ فَإِذَا صُمْتَ فَانْوِ بِصَوْمِكَ‏ كَفَّ النَّفْسِ عَنِ الشَّهَوَاتِ...

مصباح الشريعة ؛ ص135

عبارت پایانی روایت شریفه، اشاره به همین نکته دارد. همچنین آیه شریفه

« يٰا أَيُّهَا اَلَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ اَلصِّيٰامُ كَمٰا كُتِبَ عَلَى اَلَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ »

﴿البقرة، 183﴾

می تواند اشاره به همین روح حاکم بر صوم داشته باشد، چرا که تقوا که در پایان آیه از آن به عنوان ثمره و نتیجه صوم یاد شده است، به معنای پرهیزگاری و خود نگاه داری بوده که ظاهرا به همان کف نفس و دل کندن از شهوات و لذات اشاره دارد.

و نیز در روایت دیگری از پیشوای هشتم شیعیان به این مطلب اشاره شده است:

وَ فِي الْعِلَلِ وَ عُيُونِ الْأَخْبَارِ بِأَسَانِيدِهِ الْآتِيَةِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرِّضَا ع قَالَ: إِنَّمَا أُمِرُوا بِالصَّوْمِ لِكَيْ يَعْرِفُوا أَلَمَ الْجُوعِ وَ الْعَطَشِ فَيَسْتَدِلُّوا عَلَى فَقْرِ الْآخِرَةِ وَ لِيَكُونَ الصَّائِمُ خَاشِعاً ذَلِيلًا مُسْتَكِيناً مَأْجُوراً مُحْتَسِباً عَارِفاً صَابِراً عَلَى مَا أَصَابَهُ مِنَ الْجُوعِ وَ الْعَطَشِ فَيَسْتَوْجِبَ الثَّوَابَ مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْإِمْسَاكِ عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ لِيَكُونَ ذَلِكَ وَاعِظاً لَهُمْ فِي الْعَاجِلِ وَ رَائِضاً لَهُمْ عَلَى أَدَاءِ مَا كَلَّفَهُمْ وَ دَلِيلًا لَهُمْ فِي الْآجِلِ وَ لِيَعْرِفُوا شِدَّةَ مَبْلَغِ ذَلِكَ عَلَى أَهْلِ الْفَقْرِ وَ الْمَسْكَنَةِ فِي الدُّنْيَا فَيُؤَدُّوا إِلَيْهِمْ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ لَهُمْ فِي أَمْوَالِهِمْ. وسائل الشيعة ؛ ج‏10 ؛ ص9

عبارت «مع ما فیه من الامساک عن الشهوات» که در خلال این روایت آمده است، به نظر مهر تاییدی بر همین نکته است، اما همان طور که مشاهده می شود در این روایت، گویی به طور ضمنی به این مطلب اشاره شده و اینطور به نظر می رسد که از میان علل بیان شده برای صوم در این روایت، این مورد یک تعلیل فرعی بوده و غرض اصلی همان چشیدن درد گرسنگی و تشنگی برای همدردی با فقراست. لذا شاید اینگونه به نظر برسد که نتوان از این روایت، مقصود مورد نظر را برداشت کرد. لکن توجه به نکته ای که در ادامه می آید، این توهم را برطرف خواهد ساخت.

فصل پنجم: سطوح تعلیل

در روایات رسول خدا و اهل بیت ایشان صلوات الله علیهم اجمعین مشاهده می شود که در مواردی علت یا عللی برای برخی از احکام ذکر شده است. برای مثال در مورد صوم در این روایت شریفه، حضرت علت امر به صوم را درک و حس درد گرسنگی و تشنگی به دو منظور رهنمون شدن به ذکر فقر آخرت و نیز دریافتن میزان اذیت ناشی از گرسنگی فقرا و پرداخت زکات فریضه به آن ها بیان فرموده اند.

در واقع به نظر میرسد این تعلیل، متناسب با سطح درک و فهم و معرفت مخاطبین نسبت به حقیقت برنامه دین و مفاد آن صورت گرفته است. یعنی چون نگاه عرضه شده از دین در زمان حضرات معصومین علیه السلام همان نگاهیست که رابطه میان خداوند متعال و انسان را به شکل رابطه میان مولا و عباد تصویر می کند، متناسب با این سطح از عرضه دین، تعلیل های بیان شده از جزئیات احکام نیز در همان سطح بیان شده است. یعنی چون آمادگی ذهنی در افراد برای عرضه نگاه برنامه ای به دین هنوز فراهم نشده، حضرات معصومین نمی توانستند با مبانی این نگاه تعلیلات احکام شریعت را که همان آثار حقیقی نفسانی منتج از عمل به هرکدام از مفاد برنامه باشد، بیان نمایند؛ لذا تعلیلاتی را بیان می فرمودند که با تکیه بر نقاط ملموس و قابل فهم (مثلا همین چشیدن طعم گرسنگی و در نتیجه رحم آوردن بر فقرا که امری کاملا حسی بوده و نیاز به فهم بالایی ندارد)، انگیزه را برای عمل در مخاطبین ایجاد نماید.

با این حال رسول خدا و جانشینان ایشان، امر را برای آنان که قرارست در همان زمان و یا در آینده با فهم و معرفت بالاتری نسبت به مسئله دین و شریعت در مقام کشف احکام و مفاد آن برآمده و به این منظور به سراغ کلمات این بزرگواران بیایند، بلاتکلیف باقی نگذاشته اند و برای استفاده آنان و افزوده شدن معرفتشان به جزئیات مفاد برنامه، متناسب با سطح فهم آنان، تعلیلات عمیق تر و نزدیک تر به حاق مطلب را در لابه لای کلمات خود گنجانده اند و استخراج آن را بر عهده آنان گذاشته اند.

فصل ششم: کیفیت حال صائم

**در ادامه¬ی روایت شریفه ای که از رسول خدا به نقل از امام جعفر صادق صلوات الله علیهما در ابتدای این بخش ذکر شد، آمده است:**

**« وَ أَنْزِلْ نَفْسَكَ مَنْزِلَةَ الْمَرْضَى لَا تَشْتَهِي طَعَاماً وَ لَا شَرَاباً وَ تَوَقَّعْ فِي كُلِّ لَحْظَةٍ شِفَاكَ مِنْ مَرَضِ الذُّنُوب...»**

**همانطور که بیان شد، صوم برای آن است که ما را از تعلق به لذات و شهواتمان جدا کند، و این جدایی زمانی صورت می گیرد که نه تنها در عمل و به ظاهر، بلکه در نظر و باطن نیز انسان توجه خود را از این تعلقات جدا کند. چرا که حقیقت انسان و حد وجودی او همان عقل است، و این عقل همان ادراک اوست. لذا هر آنچه که ذهن و ادراک انسان را به خود مشغول کند، در واقع انسان را پایبند خود کرده و به خود متعلق داشته است.**

**بنا بر این اگر انسان بخواهد از تعلقات رها شود، بایستی توجه خود را از آن ها منقطع نماید و ذهنش را از مشغولیت به آن ها رها سازد، و الا با صرف امساک عملی از پرداختن به تعلقات، اگر این امساک مقدمه ای برای قطع توجه ذهنی انسان از آن ها نشود، حقیقتا رهایی از بند آن ها محقق نشده و انسان همچنان اسیر و گرفتار آن ها باقی می ماند.**

**به همین خاطر است که معیار ارزش گذاری اعمال در دین، نیت عاملین آن ها قرار می گیرد که «انما الاعمال بالنیات»، آدرس؟ این که عمل چقدر بار دهد و چقدر موجبات بریدن انسان از بندها و زنجیرهای تعلق را فراهم آورد، بستگی به نیت قلبی و باطنی عامل دارد. چنانچه عملش فقط در مرحله عمل باقی بماند و راهی به حقیقت وجودش، یعنی عقل و ادراک و «نیتش» نیابد، او را به جایی نمی رساند. اما اگر این امساک عملی مقدمه ای شود برای قطع توجه او از تعلقات و امساک نظری، عملش بار می دهد و او را به سر منزل مقصود می رساند.**

**بنابر این صوم نیز به عنوان یکی از مفاد برنامه اسلام، از این قاعده مستثنی نبوده و شرط ثمربخش بودن آن این است که امساک عملی انسان از لذات و شهواتش، به امساک ذهنی و نظری اش منجر شود. یعنی نه تنها دست از خوردن و آشامیدن بکشد، بلکه ذهن و فکر خود را نیز از خوردنی ها و آشامیدنی ها و لذات ناشی از آن ها رها سازد. درست مانند مریضی که نه تنها نمی خورد، بلکه حتی به خوردن فکر هم نمی کند و به آن رغبتی نشان نمی دهد، چرا که فکرش و ذهنش، دائما در پی یافتن درمان و شفای از بیماریست و این مسئله است که ذهن او را به خود درگیر نموده است.**

**آری، چه زیبا فرموده رسول خدا که صائم نیز مریضی است که باید ذهنش را لذات و شهوات، به گرفتاری و بیماری ناشی از ذنوب یا همان تعلقاتش منصرف کند تا دائما به دنبال رهایی از این بار تعلقات باشد، تعلقاتی که پای او را بسته و پروازش را نا ممکن ساخته است.**

فصل هفتم: گام های سه گانه صوم

با توجه به اصل عقلایی بیان شده مبنی بر مرحله¬مند بودن برنامه اسلام، سعی در کشف و تبیین مراحل مختلف صوم از خلال روایات پیشوایان دین به عنوان مربیان این برنامه نموده و پس از فحص و تحلیل روایات مربوطه، مشابه صلاه، زکات، جهاد و ولایت، برای صوم نیز سه مرحله از خلال بیانات این بزرگواران می یابیم. عناوین این سه مرحله، در روایتی از امیر مؤمنان علیه السلام ذکر شده است:

صوم القلب خير من صيام اللّسان و صوم‏ اللّسان خير من صيام البطن.

غرر الحكم و درر الكلم، ص: 423

توضیح و شرح جزئیات و حدود این سه مرحله، در دیگر بیانات ایشان و نیز سایر پیشوایان آمده است که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد:

گفتار اول: گام اول؛ صوم فریضه (صوم بطن)

در روایات متعددی، گام اول بخش صوم یا همان صوم فریضه، به روشنی همان صوم ماه مبارک رمضان معرفی شده است:

وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْأَصَمِّ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ مَعْمَرِ بْنِ يَحْيَى أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ‏ لَا يَسْأَلُ اللَّهُ عَبْداً عَنْ صَلَاةٍ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ وَ لَا عَنْ صَدَقَةٍ بَعْدَ الزَّكَاةِ وَ لَا عَنْ صَوْمٍ بَعْدَ شَهْرِ رَمَضَانَ.

وسائل الشيعة ؛ ج‏10 ؛ ص9

وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مَعْمَرِ بْنِ يَحْيَى قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ‏ لَا يَسْأَلُ اللَّهُ الْعَبْدَ عَنْ صَلَاةٍ بَعْدَ الْخَمْسِ وَ لَا عَنْ صَوْمٍ بَعْدَ رَمَضَانَ.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 248

البته این روایات شریفه، به حد زمانی از گام اول برنامه صوم اشاره دارد و حد و حدود کیفی آن، در روایات دیگری بیان شده است.

همچنین با استفاده از روایات، این مطلب به دست می آید که آنچه در این مرحله از صوم سبب بطلان یا به عبارتی از بین رفتن اثر صوم میشود، چند مورد است:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ‏ لَا يَضُرُّ الصَّائِمَ مَا صَنَعَ إِذَا اجْتَنَبَ ثَلَاثَ خِصَالٍ الطَّعَامَ وَ الشَّرَابَ وَ النِّسَاءَ وَ الِارْتِمَاسَ فِي الْمَاءِ.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 31

همچنان که مشاهده می شود، حدود یا مفطرات صوم در این گام (خوردن، آشامیدن، لذات جنسی، فروبردن سر بر زیر آب)، لذات و شهواتی هستند که متوجه تمایلات حیوانی انسان بوده و لذا در میان شهوات و لذایذش، بارزترین و البته سطحی ترین تعلقات او به شمار می آیند که بایستی ابتدائا و در همان گام اول صوم، از بین بروند. لذا در روایت شریفه ای که از امام علی علیه السلام نقل شد، از این مرتبه از صوم به عنوان صوم بطن یاد شده و اولین مرتبه از صوم عنوان شده است.

نیز در روایات دیگری، از دروغ بستن به خداوند، رسول خدا و ائمه بعد از ایشان نیز به عنوان یکی از مفطرات صوم یاد شده است که به نظر از باب خروج از اصل برنامه (بخاطر تکذیب مربی آن) باشد:

وَ فِي الْخِصَالِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: خَمْسَةُ أَشْيَاءَ تُفَطِّرُ الصَّائِمَ الْأَكْلُ وَ الشُّرْبُ وَ الْجِمَاعُ وَ الِارْتِمَاسُ فِي الْمَاءِ وَ الْكَذِبُ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْأَئِمَّةِ ع.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 34

همچنین از برخی روایات استفاده می شود که منع فرورفتن سر در آب نیز بخاطر نفوذ آب در بدن و ظاهرا از باب از بین رفتن اثر امساک از شرب است.آدرس؟

نکته دیگر آنکه در این مرحله نیز همچون گام اول صلاه، چنانچه فرد به دلیل پیش آمدن عذری همچون مسافرت و یا بیماری نتواند در ماه رمضان روزه بگیرد، در صورت امکان بایستی آن را در فرصت دیگری قضا نماید تا بدین ترتیب اثر مورد نظر مبنی بر رها شدن از تعلق به این شهوات، در نفس او محقق شود.

گفتار دوم: گام دوم؛ صوم تطوّع (صوم لسان)

دومین گام صوم به لحاظ محدوده زمانی روزه داری، عبارتست از صوم سه روز در هر ماه قمری. این مطلب در روایات متعددی بیان شده است:

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع بِمَا جَرَتِ السُّنَّةُ مِنَ الصَّوْمِ فَقَالَ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ الْخَمِيسُ فِي الْعَشْرِ الْأُوَلِ- وَ الْأَرْبِعَاءُ فِي الْعَشْرِ الْأَوْسَطِ- وَ الْخَمِيسُ فِي الْعَشْرِ الْآخِرِ قَالَ فَقُلْتُ هَذَا جَمِيعُ مَا جَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ فِي الصَّوْمِ قَالَ نَعَمْ.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 418

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع فِي حَدِيثِ شَرَائِعِ الدِّينِ قَالَ: وَ صَوْمُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرِ سُنَّةٌ وَ هُوَ صَوْمُ خَمِيسَيْنِ بَيْنَهُمَا أَرْبِعَاءُ- الْخَمِيسُ الْأَوَّلُ مِنَ الْعَشْرِ الْأُوَلِ- وَ أَرْبِعَاءُ مِنَ الْعَشْرِ الْأَوْسَطِ- وَ الْخَمِيسُ الْأَخِيرُ مِنَ الْعَشْرِ الْأَخِيرِ.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 422

بر اساس این روایات شریفه و دیگر روایاتی که در تایید این مطلب وجود دارد، در این گام، روزهای روزه داری از ایام ماه مبارک رمضان فراتر می رود و در هر ماه، سه روز(پنجشنبه اول ماه، چهارشنبه وسط ماه و پنجشنبه آخر ماه) بایستی روزه گرفته شود.

همچنین در روایات دیگری، توجه ویژه ای نیز به صوم ماه های شعبان و رجب (خصوصا شعبان) شده است، از جمله:

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع فِي حَدِيثِ الْأَرْبَعِمِائَةِ قَالَ: وَ صَوْمُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ أَرْبِعَاءَ بَيْنَ خَمِيسَيْنِ وَ صَوْمُ شَعْبَانَ يَذْهَبُ بِوَسْوَسَةِ الصُّدُورِ

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 423

عَنِ الرِّضَا ع‏ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى الْمَأْمُونِ وَ صَوْمُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ سُنَّةٌ فِي كُلِّ عَشَرَةِ أَيَّامٍ يَوْمٌ أَرْبِعَاءُ بَيْنَ خَمِيسَيْنِ وَ صَوْمُ شَعْبَانَ حَسَنٌ لِمَنْ صَامَهُ.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 421

با توجه به این شواهد، به نظر می رسد که صوم شعبان یا رجب یا صوم برخی روزهای خاص در سال (مثل صوم روز مبعث یا غدیر) نیز ذیل همین گام دوم از صوم قرار می گیرند، لکن باید به این نکته عنایت داشت که روزه داری در این ایام، نه به عنوان یک برنامه مستمر همچون صوم سه روز در هر ماه، بلکه از باب موقعیت های خاص و زمینه های ویژه ایست که در این ایام وجود دارد. سه ماه رجب، شعبان و رمضان، از جمله این ایام اند:

وَ بِسَنَدٍ مُعْتَبَرٍ عَنِ الْإِمَامِ جَعْفَرٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ‏ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَعْطَى هَذِهِ الْأُمَّةَ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ لَمْ يُعْطِهَا الْأُمَمَ الْأُخْرَى: رَجَبٍ وَ شَعْبَانَ وَ رَمَضَان‏...

زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص: 23

بر این اساس به نظر می رسد، خداوند متعال به عنوان شارع و مربی، علاوه بر آنکه یک سیر ثابت و البته دارای مراتب و مراحل را برای تمام ایام و ساعات زندگی برنامه ریزی کرده است، همچنین مفاد مقطعی و خاصی را متناسب با موقعیت ها و مقاطع ویژه ای که در ایام حیات انسان پیش می آید در ذیل همان گام های برنامه در نظر گرفته تا به نوعی این ایام، سکوی پرشی برای سالک باشند و انسان عامل به برنامه، با انجام مفاد برنامه در این ایام، روند رشد خود را تسریع بخشد.

سه ماه رجب، شعبان و رمضان یکی از همان موقعیت های خاصی هستند که هر سال در بازه ای از ایام عمر انسان قرار داده شده اند. با استفاده از بیانات رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام، در می یابیم که ایام این سه ماه، حائز جایگاه و فضیلت ویژه ای در فراهم آوردن زمینه رشد و حرکت انسانند و لذا اعمال خاصی در این ایام از لسان این بزرگوران توصیه شده است.

برای مثال صوم ماه شعبان، در روایات مرویه، هم از رسول خدا و هم از ائمه اطهار علیهم السلام به نحو قابل توجهی توصیه شده است. با توجه به نکته ذکر شده در مورد مفاد برنامه در مقاطع خاص، به نظر میرسد که این توصیه به صوم شعبان، از باب همان موقعیت های ویژه است که در مورد بخش صوم از برنامه بدین گونه تصویر یافته است. همچنین این مطلب در مورد سایر مفاد برنامه نیز مطرح است، آنجا که می بینیم در این ماه ها، در روایات ما نمازهای متعددی وارد شده است که در غیر آن وارد نشده (ناظر به بخش صلاه)، و یا دستور ویژه ای به صدقه داده شده است (در مورد اصل زکات)، و یا توصیه به زیارت حضرات معصومین در این ماه به شکل خاص صورت گرفته است (در مورد اصل ولایت).

بنابر این، این سه ماه بازه زمانی ویژه ای هستند که زمینه برای رشد در آن ها بیشتر از سایر ایام مهیاست و انسان بایستی در این سه ماه سعی و تلاشش را در حد خود و متناسب با آمادگی روحی اش، زیاد نموده و زمینه را برای جهشی در رشد خود، فراهم کند.

البته همانطور که گفته شد، لازم است تا این عمل ویژه، متناسب با همان سطحی باشد که فرد در اخذ به دین در آن قرار دارد، و نباید با فشار بیش از حد طاقت و ظرفیت روحی، خود را گرفتار آسیب ها نماید.

حقیقت صوم در گام دوم:

اما گذشته از بازه زمانی صوم در این گام، با استفاده از روایات این نکته بدست می آید که در این مرحله، حقیقت صوم از حد شهوات و لذایذ حیوانی فراتر رفته و به بخش دیگری از تمایلات و شهوات او متعرض شده است. به عبارتی در این گام، مفطرات صوم گسترده تر شده و موارد دیگری را نیز شامل می شود. در روایت شریفه زیر این مطلب بیان شده است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا صَامَ أَحَدُكُمُ الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامِ فِي الشَّهْرِ فَلَا يُجَادِلَنَّ أَحَداً وَ لَا يَجْهَلْ وَ لَا يُسْرِعْ إِلَى الْأَيْمَانِ وَ الْحَلْفِ بِاللَّهِ فَإِنْ جَهِلَ عَلَيْهِ أَحَدٌ فَلْيَحْتَمِلْ.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 167

توضیح دیگر این مطلب در روایات دیگری از جمله روایت زیر از امام صادق آمده است:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى فِي نَوَادِرِهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جَرَّاحٍ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع‏ إِذَا أَصْبَحْتَ صَائِماً فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَ بَصَرُكَ مِنَ الْحَرَامِ وَ جَارِحَتُكَ وَ جَمِيعُ أَعْضَائِكَ مِنَ الْقَبِيحِ وَ دَعْ عَنْكَ الْهَذْيَ وَ أَذَى الْخَادِمِ وَ لْيَكُنْ عَلَيْكَ وَقَارُ الصَّائِمِ‏ وَ الْزَمْ مَا اسْتَطَعْتَ مِنَ الصَّمْتِ وَ السُّكُوتِ إِلَّا عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ لَا تَجْعَلْ يَوْمَ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فِطْرِكَ وَ إِيَّاكَ وَ الْمُبَاشَرَةَ وَ الْقُبَلَ وَ الْقَهْقَهَةَ بِالضَّحِكِ فَإِنَّ اللَّهَ يَمْقُتُ ذَلِكَ.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 165

در گام دوم صوم، که مقارن با صوم سه روز در ماه است، صائم علاوه بر رعایت حدود صوم در مرحله قبل (صوم بطن) بایستی تعلق خاطر خود را به برخی شهوات دیگر نیز از بین برده و از پرداختن به آن ها خودداری کند.

این شهوات که از حد شهوات و لذایذ حیوانی و جسمانی بالاترند، مربوط به حد انسانی او بوده که ظاهرا بیشتر آن ها در حیوانات وجود ندارد. مراد از این تعلقات، همان امکاناتی است که ناشی از قوه نطق انسان بوده و در تکلم و برقراری ارتباط با دیگران ظهور و بروز می یابد. این تعلق، همان شهوت «حرف زدن» است که سبب می شود ذهن آدمی دائما مشغول شده و نتواند حواس و توجهش را به ذکرالله معطوف نماید.

لذا همانطور که در روایت اخیر آمد، انسان در این مرحل از صوم، بایستی تا حد ممکن ملازم صمت و سکوت باشد. مگر سخنی که ذکرالله بوده و سبب جلب توجه انسان به هدفش است. لذاست که این مرحله از صوم را صوم لسان گفته اند.

طبیعی و روشن است که در چنین صومی که حتی حرف زدن و تکلم عادی و بدور از شبهه بایستی ترک شود، کلمات و جملاتی که گاها در قالب غیبت و دروغ و مراء و فحش و شماتت و خبر چینی و خصومت و جدل (ولو به حق) و... از انسان صادر شده و ریشه در کذب و حسد و غضب و ظلم و... دارد، بایستی به کلی متروک گردد. و این همان مطلبی است که در روایات ناظر به این مرحله از صوم روی آن تاکید شده است.

بنابراین چنانچه صائم در این مرحله ملتزم به پرهیز از این افعال زبانی نباشد، صوم این گام در او تحقق نیافته و لذا روزه سه روز در ماه که به لحاظ زمانی مقارن با این مرحله بود، برایش ثمره ای نخواهد داشت، روایت زیر به نظر مؤیدی بر این مطلب است:

وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جَرَّاحٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الصِّيَامَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ وَحْدَهُ ثُمَّ قَالَ قَالَتْ مَرْيَمُ‏ إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمنِ صَوْماً- أَيْ‏ صَوْماً وَ صَمْتاً وَ فِي نُسْخَةٍ أُخْرَى أَيْ صَمْتاً فَإِذَا صُمْتُمْ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَ لَا تَنَازَعُوا وَ لَا تَحَاسَدُوا قَالَ وَ سَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ ص امْرَأَةً تَسُبُّ جَارِيَةً لَهَا وَ هِيَ صَائِمَةٌ فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ ص بِطَعَامٍ فَقَالَ لَهَا كُلِي فَقَالَتْ إِنِّي صَائِمَةٌ فَقَالَ كَيْفَ تَكُونِينَ صَائِمَةً وَ قَدْ سَبَبْتِ جَارِيَتَكِ إِنَّ الصَّوْمَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ فَقَطْ قَالَ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَ بَصَرُكَ مِنَ الْحَرَامِ وَ الْقَبِيحِ وَ دَعِ الْمِرَاءَ وَ أَذَى الْخَادِمِ وَ لْيَكُنْ عَلَيْكَ وَقَارُ الصَّائِمِ‏ وَ لَا تَجْعَلْ يَوْمَ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فِطْرِكَ.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 164

همچنین، به نظر می رسد روایاتی که مفطرات صوم را مواردی غیر از موارد برشمرده شده در گام اول صوم بیان می کنند، مربوط به صوم این مرحله و صائمِ این گام هستند:

عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ طَاوُسٍ فِي كِتَابِ الْإِقْبَالِ قَالَ رَأَيْتُ فِي أَصْلٍ مِنْ كُتُبِ أَصْحَابِنَا قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ‏ إِنَّ الْكَذِبَةَ لَتُفَطِّرُ الصَّائِمَ وَ النَّظْرَةَ بَعْدَ النَّظْرَةِ وَ الظُّلْمَ كُلَّهُ قَلِيلَهُ وَ كَثِيرَهُ.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 35

قَالَ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ إِنَّ أَيْسَرَ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَى الصَّائِمِ فِي صِيَامِهِ تَرْكُ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 164

ع قَالَ: قَالَ: لَا يَضُرُّ الصَّائِمَ مَا صَنَعَ إِذَا اجْتَنَبَ ثَلَاثَ خِصَالٍ الطَّعَامَ وَ الشَّرَابَ وَ الِارْتِمَاسَ فِي الْمَاءِ وَ النِّسَاءَ وَ النَّحْسَ مِنَ الْفِعْلِ وَ الْقَوْلِ.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 167

نکته قابل توجه در مورد این گام از صوم آن است که همچون گام اول، چنانچه فرد بنابر عذری نتواند روزه سه روز در ماه را بجای آورد، بدلیل اهمیت و ضرورت حقیقی آن در مسیر رشد، همچون صوم گام اول، قضای آن لازم است. روایات متعددی این مطلب را بیان کرده اند از جمله:

محَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ‏ فِيمَنْ تَرَكَ صَوْمَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ فَقَالَ إِنْ كَانَ مِنْ مَرَضٍ فَإِذَا بَرَأَ فَلْيَقْضِهِ وَ إِنْ كَانَ مِنْ كِبَرٍ أَوْ عَطَشٍ فَبَدَلُ كُلِّ يَوْمٍ مُدٌّ.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 432

این اهمیت تا بدان جاست که حضرات، اگرچه با توجه به کمرنگ شدن حدود در گام های بالاتر برنامه، به تاخیر انداختن این صوم را به ایام دیگر جایز شمرده اند اما بر حفظ آن تذکر داده و بر آن تاکید نموده اند:

محَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ أَوْ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع صَوْمُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ أُؤَخِّرُهُ فِي الصَّيْفِ إِلَى الشِّتَاءِ فَإِنِّي أَجِدُهُ أَهْوَنَ عَلَيَّ فَقَالَ نَعَمْ فَاحْفَظْهَا.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 430

مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُفِيدُ فِي الْمُقْنِعَةِ قَالَ: سُئِلَ ع عَمَّنْ يُضِرُّ بِهِ الصَّوْمُ فِي الصَّيْفِ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يُؤَخِّرَ صَوْمَ التَّطَوُّعِ إِلَى الشِّتَاءِ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا حَفِظَ مَا تَرَكَ.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 431

همچنین، با توجه به آن که گفتیم در این گام از صوم، مفطرات افزایش یافته و موارد لسانی را هم شامل می شود، بنابر این چنانچه فرد از مفطرات لسانی صوم در این گام احتراز نکرده و یکی از آن ها را مرتکب شود، قضای صوم آن روز، بخاطر از بین رفتن اثر صومش، بر او لازم می شود، روایت زیر ظاهرا ناظر به همین گام از صوم است:

وَ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: وَ الْغِيبَةُ تُفَطِّرُ الصَّائِمَ وَ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 35

صدقه بدل از صوم:

نکته دیگری که از توجه به روایات بدست می آید آن است که در شماری از آن ها، با توجه به شرایط خاص فرد و عدم توانایی یا مشقت صوم سه روز در ماه، بجای آن پرداخت صدقه را به وی توصیه کرده اند. علاوه بر روایتی که در بخش قبل گذشت، روایات دیگری نیز در این زمینه موجود است که عبارتند از:

وَ بِالْإِسْنَادِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَزِيدَ بْنِ خَلِيفَةَ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقُلْتُ إِنِّي أُصَدَّعُ إِذَا صُمْتُ هَذِهِ الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامِ وَ يَشُقُّ عَلَيَّ قَالَ فَاصْنَعْ كَمَا أَصْنَعُ‏ فَإِنِّي إِذَا سَافَرْتُ صَدَّقْتُ‏ عَنْ كُلِّ يَوْمٍ بِمُدٍّ مِنْ قُوتِ أَهْلِي الَّذِي أَقُوتُهُمْ بِهِ.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 433

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْمُثَنَّى قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنِّي قَدِ اشْتَدَّ عَلَيَّ صَوْمُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ فَمَا يُجْزِي عَنِّي أَنْ أَتَصَدَّقَ مَكَانَ كُلِّ يَوْمٍ بِدِرْهَمٍ فَقَالَ صَدَقَةُ دِرْهَمٍ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ يَوْمٍ.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 434

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى فِي نَوَادِرِهِ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَخِيهِ قَالَ: كَتَبَ إِلَيَّ حَفْصٌ الْأَعْوَرُ سَلْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ ثَلَاثِ مَسَائِلَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَا هِيَ فَقَالَ عَنْ بَدَلِ الصِّيَامِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مِنْ مَرَضٍ أَوْ كِبَرٍ أَوْ عَطَشٍ قَالَ مَا سَمَّى شَيْئاً فَقَالَ إِنْ كَانَ مِنْ مَرَضٍ فَإِذَا قَوِيَ فَلْيَصُمْهُ وَ إِنْ كَانَ مِنْ كِبَرٍ أَوْ عَطَشٍ فَبَدَلُ كُلِّ يَوْمٍ مُدٌّ.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 436

این که در مواردی که عذری پیش آمده، به جای صوم دستور به صدقه داده شده است، شاید از آن باب است که در زمان عدم توانایی برای عمل به یکی از مفاد برنامه، از عمل به بخشی دیگر محروم نمانیم و فرآیند رشد هیچگاه متوقف نگردد.

ازدیاد روزها در گام دوم صوم متناسب با شرایط فرد:

قَالَ وَ رَوَيْنَا مِنْ كِتَابِ الصِّيَامِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي يَحْيَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ ع‏ أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ النَّبِيَّ ص‏ عَنِ الصَّوْمِ فَقَالَ أَيْنَ أَنْتَ مِنْ صِيَامِ الْبِيضِ- ثَلَاثَةَ عَشَرَ وَ أَرْبَعَةَ عَشَرَ وَ خَمْسَةَ عَشَرَ فَقَالَ إِنَّ بِي قُوَّةً فَقَالَ أَيْنَ أَنْتَ عَنْ صِيَامِ يَوْمَيْنِ فِي الْجُمُعَةِ- فَقَالَ إِنَّ بِي قُوَّةً فَقَالَ أَيْنَ أَنْتَ عَنْ صَوْمِ دَاوُدَ ع كَانَ يَصُومُ يَوْماً وَ يُفْطِرُ يَوْماً.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 438

اینکه حضرت روزهای بیشتری از صوم را در گام دوم برای فرد سوال کننده تجویز می کنند، ظاهرا بدان خاطر است که –به قرینه «بی قوه»- زمینه لازم را در فرد برای فراتر رفتن از حداقل بازه زمانی صیام در گام دوم دیده اند. به عبارتی گام دوم صوم، خود دارای مراحل و مراتبی است که روزه سه روز مرتبه آغازین آن است و چنانچه فرد توان جسمی و روحی لازم را برای افزودن آن داشته باشد، بیشتر نمودن آن با ترتیبی که بیان شده است (سه روز، هشت روز، پانزده روز) بلامانع و بلکه مطلوب است و می تواند موجب تسریع در رشد فرد شود.

البته این را هم باید مدنظر داشت که شاید این مطلب متناسب با حال روحی و توان افراد، متفاوت باشد و لذا بیشتر نمودن صوم در این گام از سه روز، نیاز و طریقی قطعی برای همه نباشد.

توجه به حقیقت احکام شریعت

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعِيصِ عَنْ نَجْمِ بْنِ حَطِيمٍ‏ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَنْ نَوَى الصَّوْمَ ثُمَّ دَخَلَ عَلَى‏ أَخِيهِ فَسَأَلَهُ أَنْ يُفْطِرَ عِنْدَهُ فَلْيُفْطِرْ فَلْيُدْخِلْ عَلَيْهِ السُّرُورَ فَإِنَّهُ يُحْتَسَبُ لَهُ بِذَلِكَ الْيَوْمِ عَشَرَةُ أَيَّامٍ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ‏ مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثالِها

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 152

با دقت در این روایت شریفه و روایات مشابه آن، این نکته به نظر می رسد که با توجه به روح احکام شریعت که همان دل کندن از تعلقات بود، هر کجا که قرار باشد عمل به حکمی از این دستورات در تضاد با این روح کلی و یا در تزاحم با آن قرار گیرد، این اصل اصالی مقدم گشته و عمل بر طبق آن انتخاب صحیح خواهد بود، بجز مواردی که رعایت حدود این اجازه را ندهد.

برای مثال در مورد صوم گام دوم، در جایی که این عمل، با دل کندن از تعلق بزرگتری در تضاد و تقابل قرار گیرد که این تعلق بزرگتر می تواند همان روزه¬داری و علاقه به حفظ آن باشد، دستور مربی این است که با افطار نمودن این روزه، این تعلق بزرگتر زدوده شود.

این دل کندن از تعلق به حسنات، به نظر همان چیزی است که آیه شریفه بدان اشاره دارد و امام علیه السلام هم به آن اشاره فرموده اند که «من جاء بالحسنه فله عشر امثالها».

همچنین در روایت دیگری از امام صادق آمده است:

مَنْ دَخَلَ عَلَى أَخِيهِ وَ هُوَ صَائِمٌ فَأَفْطَرَ عِنْدَهُ وَ لَمْ يُعْلِمْهُ بِصَوْمِهِ فَيَمُنَّ عَلَيْهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ صَوْمَ سَنَةٍ

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 152

اینکه در روایت اول، حضرت باقر علیه السلام اجر افطار نزد برادر مؤمن را به اندازه ده روز و در اینجا امام صادق علیه السلام، اجر آن را در صورت آگاه نکردن او به روزه داری¬اش، روزه یک سال می دانند، به نظر بخاطر همین نکته¬ی افطار بی منت است، چرا که وقتی انسان، شخص دعوت کننده را به روزه¬داری خود آگاه کرده و افطار می کند، گویی کمی از حسرت افطارش را با آگاه کردن طرف مقابل و منت گذاشتن خواسته یا ناخواسته ای که صورت می گیرد، التیام می بخشد. لذا گویی کاملا از عمل نیکش نگذشته است. اما وقتی او را آگاه نمی کند و افطار می کند، تمام آن روزه را برای خدا داده و از همه اش گذشته است، لذاست که اجرش، یا همان رشدش از این عمل، بارها بیشتر خواهد بود.

لزوم اخذ به گام های بعدی، نیازی عمومی

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ أَتَانِي جَبْرَئِيلُ فَقَالَ قُلْ لِعَلِيٍّ صُمْ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ يُكْتَبْ لَكَ بِأَوَّلِ يَوْمٍ تَصُومُهُ عَشَرَةُ آلَافِ سَنَةٍ وَ بِالثَّانِي ثَلَاثُونَ أَلْفَ سَنَةٍ وَ بِالثَّالِثِ مِائَةُ أَلْفِ سَنَةٍ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَ لِيَ ذَلِكَ خَاصَّةً أَمْ لِلنَّاسِ عَامَّةً فَقَالَ يُعْطِيكَ اللَّهُ ذَلِكَ وَ لِمَنْ عَمِلَ مِثْلَ ذَلِكَ فَقُلْتُ مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ- قَالَ الْأَيَّامُ الْبِيضُ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَ هِيَ الثَّالِثَ عَشَرَ وَ الرَّابِعَ عَشَرَ وَ الْخَامِسَ عَشَرَ.

وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 437

فراز ما قبل پایانی از این روایت شریفه، دلیلی است بر این نکته که اخذ به گام های بعدی برنامه دین، در صورت ثبوت مقتضی لازم در فرد که ناشی از عمل به گام یا گام های قبل است، ضرورتی همگانی بوده و لذا آنچه که مثلا در مورد وجوب نماز شب برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گفته می شود، اختصاصی به ایشان نداشته و برای هر آن کسی است که با اتمام گام اول برنامه صلاه یا همان فرائض پنجگانه، مقتضی لازم را برای عمل به گام بعد در خود فراهم کرده است.

مانند همین مطلب، در مورد صوم نیز وجود دارد که مطابق تصریح نبی مکرم، صوم سه روز در ماه برای هر آن کسی است که همچون علی بن ابی طالبِ جوان، اخذ به گام اول را تمام کرده و آمادگی رفتن به گام بعد را پیدا کرده است.

گفتار سوم: گام سوم؛ صوم قلب (صوم دائم)

پس از پشت سر گذاشتن گام اول صوم یعنی صوم بطن، و به انجام رساندن گام دوم آن یعنی صوم لسان، نوبت آن است که انسان، صوم خود را نیز همچون صلاه، به سمت صوم دائم برده و آهسته آهسته، روح صوم را در خود تبدیل به ملکه نماید.

در این گام است که امساک و دوری انسان از شهوات و تمایلات ناشی از طبع حیوانی و غیر آن، دیگر به زمان روزه داری مصطلح او منحصر نمی شود، بلکه او باید روح بی اعتنایی به شهوات و دل کندن از لذات را در هر لحظه از زندگی اش، حتی آنجا که اصطلاحا صائم نیست نیز جریان دهد و دائما خود را از افتادن در دام تعلق به شهوات در امان نگه دارد.

در این گام است که انسان، بدون آنکه در ظاهر روزه داشته باشد نیز بایستی خود را از بسیاری از لذات حلال محروم سازد، تا دلش اسیر آن ها نگردد. لذاست که نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، خود را از خوردن آنچه که خوردنش درگام اول و دوم برنامه – در غیر زمان صوم- حلال بود، این بار بدون آنکه صائم باشد محروم می کند و به عبارتی، صوم خود را از آن ازمنه محدود، به گستره نامحدود تمام ساعات زندگی تسری داده و روح دل کندن از لذات و شهوات را، در تمام ساعات عمر، گسترش و جریان داده است:

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ: أُتِيَ بِخَبِيصٍ فَأَبَى أَنْ يَأْكُلَ فَقِيلَ‏ أَ تُحَرِّمُهُ فَقَالَ لَا وَ لَكِنِّي أَكْرَهُ أَنْ تَتُوقَ نَفْسِي إِلَيْهِ ثُمَّ تَلَا الْآيَةَ أَذْهَبْتُمْ طَيِّباتِكُمْ فِي حَياتِكُمُ الدُّنْيا

وسائل الشيعة، ج‏24، ص: 387

پیش تر گفتیم که به تناظر مراحل سه گانه صوم که به لحاظ بازه و محدوده زمانی مشخص شده و عبارت بودند از صوم ماه مبارک رمضان، صوم سه روز از هر ماه و در نهایت صوم دائم، هر کدام از این مراحل، دارای مفطراتی خاص اند که این مفطرات در گام یا گام های قبل معتبر نبودند. صائم بایستی در هر مرحله، علاوه بر حفظ التزام به احتراز از مفطرات گام یا گام های گذشته، از مفطرات جدید و اختصاصی این گام نیز احتراز نموده تا بدین ترتیب اثر روزه داری در هر مرحله در او محقق شده باشد و از تعلقات مدنظر در هر مرحله، گذشته باشد. به نحوی که چنانچه صائم در هر کدام از این مراحل از این مفطرات احتراز ننماید، صومش در آن مرحله بی اثر شده و دچار خسران و عدم رشد خواهد شد.

با توجه به این نکته، گام آخر صوم، مرحله ای از صوم است که در آن صائم بایستی دل خود را از هر خواسته و میلی جز میل به وصال معشوق، تهی کرده و ذهن خود را از هر هوایی جز هوای دوست، فارغ ساخته و خود را از تعلقات باقی مانده در مرحله ذهن نیز رها کند.

باید توجه داشت که درگام سوم صوم، آنچه که باید به جد از افتادن در دام آن بر حذر بود، آن لذات و شهواتی هستند که تا به حال تجربه نشده اند و برای انسان تازگی دارند و می توانند تعلقی تازه را به تعلقات او بیفزایند و هوایی نو در دلش برویانند و سبب مشغولیت ذهن صائم شوند. گویا به همین خاطر است که امیر مؤمنان علیه السلام، خود را از خوردن آنچه به خاطر تازگی، طبعش به آن عادت نکرده است باز می دارد تا مبادا نفسش، اسیر تعلقی دیگر شود و میان او و محبوبش، فاصله اندازد:

وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَرْطَاةَ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ أَبِي دَاوُدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَرِيكٍ عَنْ حَبَّةَ الْعُرَنِيِّ قَالَ: أُتِيَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع بِخِوَانِ فَالُوذَجٍ فَوُضِعَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَنَظَرَ إِلَى صَفَائِهِ وَ حُسْنِهِ فَوَجَأَ بِإِصْبَعِهِ فِيهِ حَتَّى بَلَغَ أَسْفَلَهُ ثُمَّ سَلَّهَا وَ لَمْ يَأْخُذْ مِنْهُ شَيْئاً تَلَمَّظَ إِصْبَعَهُ وَ قَالَ إِنَّ الْحَلَالَ طَيِّبٌ وَ مَا هُوَ بِحَرَامٍ وَ لَكِنِّي أَكْرَهُ أَنْ أُعَوِّدَ نَفْسِي مَا لَمْ أُعَوِّدْهَا ارْفَعُوهُ عَنِّي فَرَفَعُوهُ.

وسائل الشيعة، ج‏24، ص: 388

این مرحله از صوم همان گامی است که در روایت امیرالمؤمنین علیه السلام از آن تعبیر به صوم قلب شده بود و حقیقت آن همان خلو قلب است از هر خواسته و هوا و میلی غیر الله. بنابراین، این مرحله از صوم، بایستی مقارن با گام سوم صلاه که همان ذکر دائم حق بود، محقق شود.

نتیجه

نوشته فوق، تلاشی بود برای بازخوانی و تبیینی دوباره از یکی از ابواب مهم و پرکاربرد فقه اسلامی در پارادایمی نو که حاصل آن، تفاوت های آشکاری در تبیین و عرضه محتوای غنی و ارزشمند دین به مخاطبین آن است.

همانطور که مشاهده شد، در این مجال تلاش کردیم تا با اخذ به ملازمات منطقی و عقلایی قول به «برنامه بودن دین اسلام»، از یک سو صوم را بعنوان یکی از دستورات پنجگانه برنامه اسلام، در این چارچوب جایگاه شناسی کرده و هدف از تشریع آن را نمایان کنیم، و از سوی دیگر دستوالعمل اجرایی صحیح و قابل انجام آن را برای متربیان این برنامه، متناسب با سطح و ظرفیت هر فرد، تبیین نماییم.

این تلاش، شروعی بود تا اولا امکان چنین تغییر عمده ای در مبانی اجتهادی فقه شیعه را ثابت کند، و ثانیا نظر به ثمرات و تبعات این نگاه نوین که نمونه هایی از آن در «بازنگری اجمالی کتاب الصوم مبتنی بر نگاه تربیتی به فقه» مشخص شد، ضرورت چنین «پارادایم شیفت»ی را در اجتهاد و تفقه و نگاه علما و فقهای شیعه و رویکرد علمی حوزه های علمیه نمایان سازد.

و له الحمد

منابع و مآخذ:

1. قرآن کریم
2. الكافي، كلينى، محمد بن يعقوب‏، محقق / مصحح: غفارى على اكبر و آخوندى، محمد، دار الكتب الإسلامية، 1407 ق‏، تهران
3. 3. وسائل الشيعة، شيخ حر عاملى، محمد بن حسن‏، مؤسسة آل البيت عليهم السلام‏، چاپ اول، 1409 ق‏، قم
4. مصباح الشريعة، منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم عليه السلام، اعلمی، بيروت، چاپ: اول، 1400ق.
5. غرر الحكم و درر الكلم، تميمى آمدى، عبد الواحد بن محمد، دار الكتب الإسلامية، قم، چاپ: دوم، 1410 ق.
6. زاد المعاد - مفتاح الجنان، مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، موسسة الأعلمي للمطبوعات،‏ بيروت، چاپ: اول، 1423 ق.